

گزارش سناتور " پایک "

نوشته‌ی زیر بخشی است از گزارش سناتور پایک در باره‌ی سازمان سیا که به کمیته‌ی سنای امریکا داده شده است. این گزارش در تاریخ ۱۹۷۶/۱/۱۹ با تمام رسیده و در ۱۹۷۶/۲/۱۶ از طرف روزنامه امریکائی (ویلچ وولیز) منتشر گردید.

این سه بسرنامه که عمیقاً مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته بعد از تجربیات امریکادر هندوچین قسمتی از مهمترین عملیات اخیر سازمان سیا میباشند. سازمان سیا با تمام قوا در حفظ این اسرار کوشیده است. یکی از این گزارشات یا برنامه روی اساس کمکهای مالی به بعضی از نیروهای طرفدار امریکا در یکی از ممالک هم پیمان امریکا میباشند. (منظور ایتالیاست).

دومین گزارش مربوط است به تقاضای یکی از رهبران دایر بر پشتیبانی مسلحانه امریکا از یک جنبش - مسلحانه که بدستور ریاست جمهوری صورت گرفته است (منظور نیکسون وشاه ایران است)

سومین برنامه مربوط است به پشتیبانی سیاسی و نظامی و مالی از طرفداران امریکا در آنکولا است که این برنامه بنا به تقاضای یکی از ممالک دنیای سوم بوده است (منظور زئیر است و رهبر زئیر یعنی موبوتو) کمیته‌ی مجلس سنا در جریان تحقیق روی مسائل دیگر در جریان این سه پروژه و همچنین نکته در - جریان اخباری که از منابع دیگر بدست سازمان سیا می رسید قرار گرفت. برای مثال یکی از این مسائل تحقیق در باره‌ی ارسال سلاح به خارج بود که پرده از روی یکی از کارهای مهم سازمان سیا برداشت. این گزارشات نمیتواند کاملاً اسرار سازمان سیا را در سال ۱۹۶۵ فاش نماید ولی کمیته اعتقاد دارد که اینها نمونه‌های خوبی از اعمال سازمان سیا میباشند و همچنین تکمیل بودن و درست بودن گزارش رانائید میکند. ولی همه‌ی نتیجه گیریهای کمیته را تأیید نمی نماید.

below

گزارش دوم : یکی از برگهای این گزارش ناتمام است. از محتوی گزارش معلوم است که کم شدن این برگ از گزارش باعث بحثهای تند در بین مقامات امریکائی شده است و بحثهای آنها بیشتر روی کمک های مخفی امریکا به کردها علیه حکومت عراق بوده که توسط شاه ایران انجام میشده است (۱)

بالاخره در ملاقات خصوصی شاه ایران با کسینجر رئیس جمهور امریکا با پرداخت ۱۶ میلیون دلار به کرها موافقت میکند. امریکا با تمام نیرو سعی در مخفی نگه داشتن این کمکهای مالی میکرد و حتی برخلاف قانون اساسی امریکا که کمیسیون چهل نفری در این موارد باید از جریان باخبر باشد، کمیسیون را هم در جریان نگذاشته و فقط (های. ج. ب. کانالی) وزیر سابق خزانه داری، شاه ایران را از این قرار داد باخبر نموده است. (۲)

کسانی که این کمکها را دریافت میکردند کردهای عراق بودند که برای بدست آوردن حکم ذاتی می - جنگیدند. عراق و ایران مدتها شديدا باهم خصومت داشتند. ایران و عراق از نظر ایدئولوژی و ارتباط با امریکا باهم فرق فراوانی داشتند. طبق مدارکی که توسط کمیته جمع آوری شده اند نشان میدهد که این پروژه بیشتر بخاطر ایران انجام میشده که با سازمان "سیا" همکاری نزدیک داشته و ایران خود از جانب عراق احساس خطر میکرده است.

برای آنکه کمکهای ایران به کردها از کمک های امریکا بیشتر بوده است بنابراین کمکهای امریکا بعنوان یک چیز معمولی باید در نظر گرفت. طبق مدارک بدست آمده نشان میدهند که امریکا مدافع آن بوده است که شاه ایران بهیچ عنوان از پشتیبانی کردها چشم پوشی نکند (۳) سی سال زمان و هزاران کشته و ۱۶ میلیون دلار پول مفت از دست رفت چون حکومت ایران کمکهای خود را از کردها دریغ داشت و امریکا که مدافع این کمکها بود به قولش وفا نمود (۴)

ظواهر نشان میدهد که اگر امریکا به تقاضای ایران در مورد کمک به کردهای عراق را نمی پذیرفت امکان زیادی داشت که کردها با حکومت صلح میکردند و بیک نوع خود مختاری می رسیدند و از خون ریزی هم جلوگیری میشد.

درحقیقت مشتریبهایمان یعنی کردهای عراق جنگیدند و هزاران کشته دادند و دوست هزار نفر نیز پناهنده شدند. بدون شك این قدمهای مهم در ندانن كك به کردها در نتیجهی این مسئله بود که نیکسون و کسینجر میترسیدند که مبادا راز كك به کردها فاش شود. نتایجی که سرانجام به میل و مرام ایران نبود. همچنین معلوم شد که دلیل پنهان داشتن این برنامه بنا به تقاضای وزارت امور خارجه بود که مخالف این چنین پروژه ها بود و بعلاوه وزارتخانه هم از این مسئله آگاه نبوده است. (۵)

کمیتهی مجلس سنا بیشتر از این سیاست حکومت آمریکا ناراضی بود که هدف آن عدم موفقیت امریکابوده است. يك سند این کمیته نشان میدهد که رئیس جمهور و دکتر کسینجر و شاه ایران امیدوار بودند که مشتریبهایمان هرگز موفق نشوند^(۱) و آنها خواستار جنگی بودند که نیروهای عراقی رابه تحلیل ببرد و این سیاست مشتریبهایمان گفته نشده بود.

فقط کردها را تشویق به ادامه و طولانی بودن جنگ میکردند. حتی دريك چارچوب عملی مخفی هم سیاست امریکادر این مورد سیاستی بیشرمانه بوده است. خصوصا مسئله اینجا جالب میشود که نیکسون و کسینجر برای سرکرم کردن عراق، کردها را تشویق به ادامهی جنگ مینمودند و از طرف دیگر از حمله های قاطع به ارتش عراق بر حذر میداشتند زیرا ممکن بود که کردها موفق شوند زیرا جریاناتی دیگر کشورهای همسایه را کاملا بخود مشغول کرده بود. (۷)

تمام كك های آمریکا از طریق همکارانمان صورت می گرفت چون امریکا بطور مستقیم امکان كك زیادی را نداشت. به این طریق هم برای ما و هم برای امریکا نفع مان دو جانبه بود و برای همین منظور بود که بعضی آنکه ایران با عراق به توافق رسید از كك به کردها خودداری نمود و امریکا هم راهی جز قبول این توافق عراق و ایران را نداشت. *6/1/77*

کردها اشکارا غافلگیر شدند. عراق که میدانست قطع كك های ایران به کردهای عراق حتی است يك روز بعد از توافق بین ایران و عراق حملهی همه جانبه به کردها را نمود^(۲) بدین ترتیب مسئله خود مختاری بپایان رسید و مشتریبهای قدیمی ما در مقابل ارتش عراق توانائی نداشتند و بالاخره دست از جنگ کشیدند هنوز عمل بیشرمانه ی امریکا و ایران در مورد کردهای عراق کاملا برای اذهان مردم روشن نشده است^(۳) علیرغم اعتراضات بارزانی و سازمان سیا به رئیس جمهوری امریکا و کسینجر، باز حاضر به كك دادن به هزاران پناهنده ی کرد عراقی که در اثر نرساندن كك نظامی به ایران آمده بودند نشدند. همچنین يك مقام عالی رتبه امریکائی به کمیته مجلس گزارش داده است که : کارهای پنهانی نباید با کار میسیونرهایمان قاطی شود. (۱۰)

۱- (قسمت های اولیه ی این یادداشتها در دسترس نبوده است). ما نمی خواهیم توی این کار و بار بیافتم حتی بصورت غیره مستقیم. چون ممکن است این کار باعث طولانی شدن جنیش بشود و این هم بدان معنی است که تجزیه طلبی نضح بگیرد ویا ممکن است شوروی از ان برای در فشار قرار دادن دو هم پیمان ما یعنی ترکیه و ایران استفاده نماید. در گزارشی که نماینده سیا در تهران برای مرکز سیا در واشنگتن ارسال داشته عقیده سفیر امریکا در تهران را در ان کنجانیده و میگوید : من مخالف دادن كك مالی به جنیش کردها هستم. مگر آنکه ملاحظات سیاسی در میان باشد که من از ان بیخبرم... زیرا عواقب ایمن سیاست روشن نیست. اگر ما به کردها كك کنیم و سپس از دادن كك خودداری نمائیم نتایج ان عدم تفاهم خواهد بود و ممکن است باعث تیرگی مناسبات فیما بین ما و هم پیمانان گردد (یعنی ایران). ج ا ی دیگر در ماه اوت ۱۹۷۱ و مارس ۱۹۷۲ این پیشنهاد رد شده است. در مارس ۱۹۷۲ دکتر کسینجر مذاکرات طولانی با مقامات عالی رتبه وزارت خارجه را نمود و دوباره پیشنهاد را رد کرده است.

۲- خیلی مواقع بارزانی عدم اعتماد خود را نسبت به حکومت ایران نشان داده است ولی در عین حال به امریکا اعتماد داشته و گزارش شده است که : غیر از امریکا به هیچ قدرت بزرگی اعتقاد ندارد و اظهار میداشت که اگر موفق شود : آماده است تا به پنجاهه ویکمین ایالت امریکا تبدیل شود و دوستی عمیق بارزانی و کسینجر از ان جا معلوم میشود که در جریان ازدواج کسینجر سه تخته قالی کران قیمت و گردن بند طلا و مژین به الماس را بعنوان هدیه به ایشان تقدیم کرده است. دولت امریکا ارسال هدایای بارزانی

۳- قطع کک به کردها رهبر آنها را متعجب کرد . با خبر کردن بازرانی بوسیله ی ایران . در یک تلگراف از رهبر سیا درتهران به مرکز سیا در واشنگتن شرح داده شده است . در ه مارس یک نماینده ایران به مرکز کردها رفت و با کمال تعجب به آنها گفت : الف - مرز به روی هرگونه حرکتی بسته شده است . ب - انتظار هیچگونه ککی از ایران را نداشته باشند . پ - ... باید با عراق بتوافق برسند . ج - واحدهای نظامی کردها فقط میتوانند در گروههای کوچک و پس از تحویل دادن اسلحه هایشان به ایران پناهنده شوند .

۴- قدمهایی برداشته شده بود تا وزارت کشور آمریکا از این اعمال اطلاع پیدا نکند . مدارک نشان میدهد که در اصل چنان طرح ریزی شده بود که حتی سفیر کبیر آمریکا در ایران عراق از این واقعه باخبر نشوند
بعلاوه شواهدی که در پرونده ی کیمته است در رابطه ی اینکه وزیر کشور ویلیام راجرز هرگز از این واقعه با خبر نبود ، باهم تضاد دارند . کارمندان کسینجر و سیا فکر میکنند او بوسیله ی یوالکس جانسون - یک عضو کیمته - باخبر شده بود . درصاحبهای با کارمندان ، راجرز گفت که او مطمئنا باخبر بوده است ولسی در ۲۲ ژوئن ۱۹۷۳ یکسال بعد از آنکه رابطه با کردها شروع شد راجرز در تلگرافی ذکر میکند که اوضاع خوبی ندارد

۵- اوضاع کردها که هر روز بدتر میشد نشانگر این بود که کشورهای کک کننده ی آنها واقعا خواهان خودمختاری واقعی کردها نبودند . یک گزارش سیا در ۲۲ مارس ۱۹۷۴ بطور روشن موضع ایران و آمریکا را بیان میکند : " بنظر ما ایران به تامیس یک دولت خودمختار راقب نیست . ایران مانند ما از حالت نه جنگ و نه صلح سودمیرد . . . در ان عراق بخاطر قبول نکردن خودمختاری محدود بوسیله ی کردها ضعیف میشود نه ایران و نه آمریکا خواهان حل مسئله ی کرد و عراق میباشد . "

۶- سیا اطلاعاتی درست داشت که نشان میداد بعضی اینکه دو کشور بتوافق برسند ، کردها را رها خواهند کرد . دو ماه بعد از شروع عملیات در ۱۷ اکتبر ۱۹۷۲ یک گزارش سیا میگوید " ایران ظاهرا توسط وزیر امور خارجه دولت دیگری از عراق خواسته است در صورتی که معاهده بین عراق و ایران ملغی شود ایران حاضر به صلح میباشد . " گزارش سیا نشان میدهد که ایران از کردها فقط بعنوان یک " ورق بازی " در اختلافات با عراق استفاده میکند . گزارش ۲۲ مارس ۱۹۷۴ سیا ، کردها را وسیله ای برای ضعیف کردن عراق در یک ماجراجویی جهانی نشان میدهد .

۷- در تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۷۳ نامه ای از کاخ سفید توسط کسینجر به مرکز سیا فرستاده شد " رئیس جمهور با قضایاتی که در پارکراف ۳ نامه ۱۵ اکتبر شما شده است توافق دارد . بنابراین شما باید جوابی به کردها بفرستید . ما صلاح نمیدانیم شما حمله ی مسلحانه ای را که یک دولت دیگر بشما پیشنهاد کرده شروع کنید . برای اطلاع شما ، ما بوسیله ی سفیر کبیر خود با ایران تماس گرفته ایم و هر دو با نظر ما موافقت . "

۸- حمله یک روز بعد از اینکه توافق نامه را امضاء کردند شروع شد و کردها را متعجب کرد . کردها در ۱۰ مارس ۱۹۷۵ پیغامی برای مرکز سیا فرستادند : " بین مردم و نیروهای ما کجی و ترس وجود دارد . زندگی مردم ما در خطر است . نابودی کامل نزدیک است . توضیحی وجود ندارد . ما از شما (ی . س . ک) میخواهیم که مطابق قولهایی که داده اید دخالت کنید و روی متحدشان را زمین نیاندازید ، زندگی رهبر ما و آبروی ما را نجات دهید و یک راه حل شرافتمندانه برای ما پیدا کنید . " همان روز تلگراف زیر توسط مرکز سیا در ایران برای سیا در واشنگتن فرستاده شد : " ایماکز با دفتر کسینجر در تماس است . اگر (یو . اس . جی) این اوضاع را طوری حل نکند که کردها متوجه شوند ما به آنها خیانت کرده ایم . امکان دارد همه چیز را غلطی کنند . ایران نه فقط از روی سیاسی آنها را ندیده گرفته است بلکه زندگی هزار

کرد و خطر نابودی است". مرکز سیا در ایران پیشنهاداتی به (یو.اس. جی) میکند که مسئله را چگونه حل نمایند و در خاتمه مینویسد " این تنها چیز شرافتمندانه است که (یو.اس. جی) باید انجام دهد".

۹- در ۱۰ مارس ۱۹۷۵ نامه‌ی زیر از بارزانی به هنری کسینجر رسید: "عالیجناب، بخاطر اینکه ما اعتقاد به حل مسالمت آمیز اختلافات مانند اختلافات ایران و عراق داریم، خیلی خوشحالیم که دو کشور به توافق رسیده‌اند... ولی قلب ما خونین است که نتایج فوری این توافق نابودی کامل مردم بیدفاع ماست درحالیکه عراق بزرگترین حمله‌ی خود را بما شروع کرده و هنوز هم ادامه دارد. ایران مرز خود را بروی ما بسته و تمام کمکهای خود را قطع کرده است. جنبش ما و مردم ما در سکوت کامل همه رو بنابودی میروند. عالیجناب ما اعتقاد داریم که ایالات متحده یک مسئولیت سیاسی و اخلاقی نسبت به ملت ما که فدای سیاستهای شما شده‌اند دارد. در اوضاع کنونی از حضرت عالی میخواهیم که بخواستههای زیر ما فوراً رسیدگی شود:

- ۱- حمله را متوقف کرده و مذاکره بین ما شروع شود... تا بیک راه حل شرافتمندانه برسیم.
- ۲- نفوذ در ایران را بکار ببرید تا ما بتوانیم نیروهای خود را تا قبل از رسیدن بیک توافق در مناطق خود نگاهداریم. آقای وزیر ما منتظر جواب فوری شما هستیم و مطمئنیم که آمریکا در این دوران بحرانی بی تفاوت نخواهد بود..."

در ۲۲ مارس ۱۹۷۵ تلگرافی از مرکز سیا در ایران به مرکز سیا در واشنگتن شد " جوابی از هنری کسینجر وزیر کشور به پیغام بارزانی نرسیده است... دو پیغام دیگری که بوسیله رادیو دریافت شد امروز صبح برای شما فرستاده شد... و جدی بودن اوضاع و نگرانی بارزانی را تاکید میکند و از (یو.اس. جی) میخواهد تا با بکار بردن نفوذ خود در ایران آتش بس را ادامه دهند. این را خواهد داد تا پناهندگان سلامت بمقصد بروند... بنابراین اگر (یو.اس. جی) میخواهد میانجی شود باید فوراً وارد عمل بشود".

۱- بیشتر از ۲۰۰۰۰ نفر به ایران فرار کردند ولی در آنجا نه ایران و نه آمریکا تسهیلاتی برای آنها فراهم نکردند. درحقیقت ایران بعداً ۴۰۰۰۰ نفر از آنها را مجبور به بازگشت کرد. اگر چه قانون پناهندگی سیاسی شامل حال تمام کردهای پناهنده میشد ولی آمریکا حتی اجازه نداد یک نفر به ایالات متحده برود.